



## سرمقاله

حیوان، جهان احساس است و بر پایه ادراکات حسی خویش زندگی روزمره را سپری می‌کند. داده‌های حسی حیوانات هیچ‌گاه پردازش عقلی نمی‌شوند و تنها توسط وهم و خیال تحلیل می‌گردند. شیری که در پی شکار آهوست، اطلاعات حسی خود را به‌دقت پردازش می‌کند تا شکار موفق‌تری داشته باشد و زندگی روزمره‌اش را سپری کند. اما انسان افزون بر این، به پردازش عقلی داده‌های حسی دست می‌زند و بر این اساس به نگرشی کلی درباره جهان هستی دست می‌یابد. این نگرش کلی «جهان‌بینی» نام دارد که در واقع مرز میان حیوان و انسان است. جهان‌بینی، نگاهی کلان به پیکره کلی جهان و روابط میان پدیده‌ها دارد که لازمه آن نوعی منش اخلاقی و سبک زندگی است. بر این اساس، باور آدمی درباره هستی، ریشه اخلاق و افعال اوست، و منش و کنش آدمی، آینه بینش او: قال رسول الله: العلم امام العمل و العمل تابعه.<sup>۱</sup>

مراد از بینش و اعتقاد، چیزی نیست که انسان‌ها بدان تظاهر می‌کنند یا به نمایش می‌گذارند؛ مراد چیزی است که با آن گره خورده‌اند و در اخلاق و رفتارشان نمودار می‌گردد. با این بیان، آدمی چیزی جز همین بینش و نگرش نیست.

مابقی تو استخوان و ریشه‌ای  
ور بود خاری، تو هیمة گلخنی<sup>۲</sup>

ای برادر تو همه اندیشه‌ای  
ور گل است اندیشه تو، گلخنی

۱. شیخ طوسی، *الأمالی*، ص ۴۸۸.

۲. مولوی، *مثنوی معنوی*، دفتر دوم، ص ۱۹۲.

علوم تجربی تنها برای بررسی موجودات تجربه پذیر (محسوسات) سودمندند و از اثبات موجودات مجرد یا رد آنها، و بررسی چیستی آنها ناتوان‌اند. حتی در بررسی موجودات تجربه پذیر نیز به درون پدیده‌ها می‌نگرند و از روزنه دید خویش، احکام و لوازم آنها را استنباط می‌کنند. اگر موجودی طبیعی مانند «گل» را در نظر بگیریم، فیزیک‌دان به جرم و چگالی‌اش می‌پردازد؛ شیمی‌دان ساختمان مولکولی و آرایش اتمی آن را بررسی می‌کند؛ زیست‌شناس به حیات نباتی و ساختار سلولی آن می‌نگرد و... علوم تجربی نگاه کلان به پیکره کلی هستی ندارد؛ بنابراین برای جهان‌بینی کارآمد نیست؛ زیرا جهان‌بینی، نگاهی برون‌پدیده‌ای و کلان به پیکره کلی هستی و کشف روابط و قواعد میان آنهاست، نه درون آنها. علوم مرتبط با وحی (آیات و روایات) افزون بر نگاه درون‌پدیده‌ای، نگاه برون‌پدیده‌ای نیز دارند؛ بنابراین برای جهان‌بینی مفیدند، اما آغاز جهان‌بینی با این علوم به «دور» می‌انجامد؛ برای نمونه، آیات فراوانی صحت گزاره «جهان خالق دارد» را تأیید می‌کنند، اما درستی و حقانیت این آیات به سبب انتساب آنها به خداوند است؛ بنابراین صحت گزاره «جهان خالق دارد» بر خود او متوقف است؛ مگر اینکه گزاره دینی بر اساس روش عقلی محض باشد که آن سخن دیگری است.

علوم شهودی به بررسی روابط بین پدیده‌ها و عوالم می‌پردازند و به شرط مطابقت با موازین خاص خود، می‌توانند در جهان‌بینی استفاده شوند؛ اما تحصیل شهود رحمانی متوقف بر سلوکی چندین ساله بر پایه شریعتی استوار است؛ پس ناگزیر، نخست باید دین و شریعت صحیح را با روشی دیگر (غیر از شهود) جست، سپس سال‌ها بر اساس آن سیر کرد تا به شهود دست یافت. البته شهودها نیز درجاتی دارند و شهودهای نهایی که رابطه کلی عالم با خداوند را روشن می‌کنند، دیر به دست می‌آیند؛ بنابراین علوم شهودی در آغاز جهان‌بینی، کارایی ندارند.<sup>۱</sup>

عقل، تنها عنصری به شمار می‌رود که در آغاز جهان‌بینی، کارآمد است. نیروی تفکر در همه انسان‌ها وجود دارد؛ گرچه به‌کارگیری درست آن نیازمند آشنایی با علم منطق است. اکنون اگر بخواهیم با روشی کاملاً عقلی بدون تکیه بر داده تجربی و دینی به پژوهش در هستی بپردازیم، باید روش «برهان» را برگزینیم و از بدیهیات آغاز کنیم تا برای اثبات موجودات مثالی،

۱. البته انسان‌های کامل (انبیاء، ائمه و برخی اولیاء) از این قاعده مستثنا هستند و این سیر مربوط عموم انسان‌هاست.

عقلی و واجب‌تعالی توانمند شویم؛ آن‌گاه روابط کلی موجودات را دسته‌بندی کنیم و بدین صورت، عالم خارج را در صفحه عقل خویش، بازتاب دهیم.<sup>۱</sup> این روش، یعنی نگاه کلان به پیکره کلی هستی از راه برهان و با تکیه بر بدیهیات، «فلسفه» نام دارد.

بنابراین روش فلسفی تنها راه آغاز جهان‌بینی است. مراد از فلسفه تنها مطالعه/سفر و اشارات نیست؛ بلکه مراد، هر گزاره‌ای است که ملاک‌های سه‌گانه یادشده را داراست؛ یعنی ۱. نگاه کلان به پیکره کلی هستی؛ ۲. استفاده از برهان؛ ۳. تکیه بر بدیهیات. خواه/سفر و اشارات باشد، خواه قرآن و روایات.

اکنون می‌توان سه راه جهان‌بینی را چنین دسته‌بندی کرد:

۱. نخست لازم است با روش عقلی محض (فلسفه)، قواعد کلی عالم استنباط گردد و وجود واجب‌تعالی، ملائکه، مجرد نفس انسان، سعادت و شقاوت انسان پس از مرگ بدن، نیازمندی به راهنما برای شناخت این سعادت و شقاوت و... اثبات شود؛

۲. سپس سر بر دامن دین نهاده، با پیروی از رهنمودهای پیامبر و ائمه معصوم به سیر علمی در گزاره‌های اعتقادی دین، و سیر عملی در گزاره‌های اخلاقی و حقوقی دین پردازیم. در این سیر علمی، عقل به مدد می‌آید و گنجینه‌های اعتقادی دین را می‌شکافد؛ همچنین، سیر عملی، موجب نورانیت نفس می‌شود و راهی به شهود می‌گشاید؛

۳. علم و عمل، گوهر نفس آدمی را شکوفا می‌کند و به شهود می‌رساند. از این پس آنچه عقل با استدلال و گزاره دینی تعبداً اثبات می‌کند، قلب با شهود می‌بیند و ایمانی شگرف در دل می‌نشیند؛ چراکه ایمان را مراتبی است «یا ایها الذین آمنوا... آمنوا»<sup>۲</sup> و شهودهای قلبی، شخص را به باطن آیات و روایات (حقایق و حیاتی) نزدیک می‌سازد.

روح‌الله سوری

۱. «الحکمة... صیرورة الانسان عالما عقليا مضاهيا للعالم العینی» (شرح المنظومه، ج ۲، ص ۵۰).

۲. نساء(۴): ۱۳۶؛ حدید(۵۷): ۲۸.

